

پــژوهـش هــای

ایـــران شنـــاسـی

پـرسـش و پـاسـخ

پیرامون پیشینه ی تاریـخی فرهنگی تمـدنی ایران

******

نوشتاری از وبگاه ایران شنــاسی

«**بحران هویت قومی– فرهنگی!**»

نوشته ی دکتر محمودرضا افتخارزاده

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

*****

بحران هویت قومی – فرهنگی!

پرسش :

با درود فراوان و اندوه بسیار .هم اکنون از یک رسانه پارسی زبان بیگانه شنیدم و شتابان در «گوگل»جستم و دیدم که گویا یک روزینامه آمریکایی افغانی به نام «۸صبح» نوشتاری داشته به نام«ابعاد یغما گری ایران از فرهنگ افغانستان / یکشنبه ۳۰ جوزا ۱۳۹۵» از مردکی افغان به نام «قنبرک افغانی»از نوادگان«ملا زعفران سنی افغانی»که در پی تازش«اشرفِ بی شرفِ افغان»به روزگار فتورصفویان، فتوای کشتار و چپاول مردم ایران را داد .و نوشتاری دیگر درهمان روزینامه آمریکایی افغانی به نام«مولانای ایرانی یا افغان؛ ...دوشنبه ۱۴سرطان ۱۳۹۵نوشته چنگیزوضیع. نیویورک،ایالات متحده» »آری «چنبرک افغانی»و«چنگیز وضیع افغانی» در این سیاه نامه همگانی ، یاوه هایی شگفت گفته اند و چرندیاتی چنشت بافته اند که مرا برآشفت و به «وبگاه ایران شناسی» روی آوردم تا ببینم که آیا پاسخی هست! امید که نومیدم نفرمایید و پاسخی شایسته دهید.اینک فراز هایی از این «سیاه نامه» را پیوست می کنم ، هرچند می دانم که این «سیاه نامه» را دیده اید! سپاس گزارم.شهریار ایرانی.

پاسخ :

هم میهن گرامی!خویشتن دار باش. نوشته های یادشدگان ارزش پاسخ ندارد.آنچه گفته اند نعره هایی است از سر بینوایی و ناچاری و بحران هویت قومی فرهنگی! بدان که در اوستا و شاهنامه ،جغرافیای طبیعی تاریخی قومی فرهنگی ایران ترسیم شده است. در اوستای حضرت زرتشت در چند جا واژه ی «ائیرین»و«ایران ویج»آمده و در شاهنامه ی حکیم توس 335 بار واژه ی «ایران» به کار رفته است.در ادبیات باستانی و اسناد دیرین اوستایی – پهلوی واژه ی «ایران» و مشتقات آن آمده است. بنابراین نام دیرین این سرزمین پهناور که همه ی«آسیا»را شامل می شد ،پیش و پس از دوران تاریخی ،«ایران» بوده است.

زنده یاد سعید نفیسی دانشمند نامی ایران در نوشتاری به تاریخ دهم دی ماه 1313 خورشیدی می نویسد:«.... اما کلمه ایرانی یکی از قدیم ترین الفاظی است که «نژاد آریا»با خود به دایره تمدن آورده است این شعبه از نژاد سفید که سازنده تمدن بشری بوده و علمای اروپا آن را به اسم هند و اروپایی ویا نژاد هندو و ژرمنی و یا هند و ایرانی و یا هند و آریایی خوانده اند از نخستین روزی که در جهان نامی از خودگذاشته است خود را به اسم« آریا »نامده و این کلمه در زبان های اروپائی «

آرین » به حال صفتی یعنی منسوب به آریا و آری متداول شده است. این نژاد از یک سو از سواحل رود سند و از سوی دیگر تا سواحل دریای مغرب را فرا گرفته یعنی تمام ساکنین مغرب و شمال غربی هندوستان و افغانستان و ترکستان و ایران و قسمتی از بین النهرین و قفقاز و روسیه و تمام اروپا و آسیای صغیر و فلسطین و سوریه و تمام آمریکای شمالی و جنوبی را به مرور زمان قلمرو خود ساخته است تما زبان های ملل مختلف آن با یکدیگر روابط و مناسبات گوناگو دارد . مام مظاهر فکر و تمدن آن با یکدیگر مربوط است . داستان ها و معتقدات آن همواره با یکدیگر پیوستگی داشته و همواره کره زمین مظهر خیر و شر آن بوده است . در اوستا که قدیم ترین آثار کتبی این نژادست ناحیه ای که نخستین مهد زندگی و نخستین مسکن این نژاد بوده است به اسم « ایران وئجه » نامیده شده یعنی سرزمین آریاها و نیز در اوستا کلمه « ابریا » برای همین نژاد ذکر شده است . همواره پدران ما به آرائی بودن می بالیده اند چنان که داریوش بزرگ در کتیبه نقش رستم خود را پارسی پسر پارسی و آرائی (هریا) از تخمه آریائی می شمارد و بدان فخر می کند. در زمانی که سلسله هخامنشی تمام ایرا را در زیر رایت خود درآورده معلوم نیست که مجموعه این ممالک را چه می نامیده اند زیرا که در کتیبه های هخامنشی تنها نام ایالات و نواحی مختلف قلمرو هخامنشی برده شده و نام مجموع این ممالک را ذکر نکرده اند . قطعا می بایست در همان زمان هم نام مجموع این ممالک لفظی مشتق از آرای باشد زیرا که تمام ساکنیت این نواحی خود را آریائی می نامیده اند و لفظ آریا در اسامی نجبای این ممالک بسیار دیده شده است . قدیمی ترین سند کتبی که در جهان موجود است و ضبط قدیم کلمه ایران در آن می توان یافت گفته آرا نوستن جغرافیادان معروف یونانی است که در قرن سوم پیش از میلاد می زیسته و کتاب وی از میان رفته ولی استرابون جغفرافیادان مشهور یونانی از آن نقل کرده و وی آن را « آریانا » ضبط کرده. از این قرار لااقل در دو هزار و دویست سال پیش این کلمه معمول بوده است . بنابراین قدیمی ترین نام مملکت ما همین کلمه ایران بوده یعنی نخست نام ایریا که نام نژاد بوده است نام مملکت را آبریان ساخته اند و سپس به مرور زمان ابریان ، آیران شده و در زمان ساسانیان ایران ، ایران (به کسر اول و سکون دوم) بدل شده است و در ضمن اران (به کسر اول) نیز می گفته اند . چنانکه پادشاهان ساسانی در سکه و کتیبه ها نام خود را پادشاه ایران و اران می نوشته اند و از زمان شاپور اول ساسانی در سکه ها لفظ انیران هم دیده می شود زیار که الف مفتوح در زبان پهولی علامت نفی و تجزیه بود و انیران یعنی بجز ایران و خارج از ایران و مراد از آن ممالک دیگر بوه است که ساسانیان گرفته بودند . در همین دوره ساسانی لفظ ایرانشهر یعنی شهر ایران (دیار و کشور ایران) نیز معمول بوده است و عراق را که در میان مملکت بدین اسم برده به اسم « دل ایرانشهر » می نامیدند. کلمه ایرانشهر را فردوسی و شعرای دیگر قرن پنجم و ششم ایران نیز به کار برده اند . پس مراد از ایرانشهر تمام مملکت ساسانیان بوده است چنان که تا زمان حمدالله مستوفی قزوینی مولف «نزهه القلوب» که در اواسط قرن هشتم هجری بوده

یعنی تا چهارصد سال پیش همین نکته رواج داشته است و وی حدود ایران را چنین معلوم می کند : از مشرق رود سند و کابل و ماوراء النهر و خوارزم ، از مغرب اران (ماوراء قفقاز) تا قلمرو روم و سوریه از شمال ارمنستان و روسیه و دشت قپچاق و دربند و از جنوب صحرای نجد بر سر راه مکه و خلیج فارس. اما کلمه ایران که اینک در میان ما و اروپائیان معمول است و لفظ جدید همان کلمه ای است که در زمان ساسانیان معمول بوده در دوره بعد از اسلام همواره متداول بوده است و فردوسی ایران و ایرانشهر و ایران زمین را همواره استعمال کرده و حتی شعرای غزنوی نیز ایرانشهر و ایران را در اشعار خود آورده و پادشاهان این سلسله را خسروان این دیار دانسته اند. پس از اینکه اروپائیان مملکت ما را در عرف زبان خود پرس یا نظائر آن می نامیدند و این عادت مورخین یونانی و رومی را رها نمی کردند چه از نظر علمی و چه از نظر اصطلاحی به هیچ وجه منطق نداشت زیرا که هرگز اسم این مملکت در هیچ زمان پراس یا کلمه ای نظیر آن نبوده و همواره پارس یا پرس نام یکی از ایالات آن بوده است که ما اینک فارس تلفظ می کنیم. حق همین بود که ما از تمام دول اروپا خواستار شویم که این اصطلاح غلط را ترک کنند و مملکت مار ا همچنان که ما خود همواره نامیده ایم ایران و منسوب آن را «ایرانی» بنامند....»از این رو آن زنده یاد می افزاید:«.... دولت ما به تمام دول بیگانه اخطار کرده است که از این پس در زبان های اروپایی نام مملکت ما را باید«ایران»بنویسند در میان اروپاییان این کلمه«ایران»تنها اصطلاح جغرافیایی شده بود و در کتاب های جغرافیا دشت وسیعی را که شامل ایران و افغانستان و بلوچستان امروز باشد فلات ایران می نامیدند و مملکت ما را بزبان فرانسه «پرس» و به انگلیسی«پرشیا»و به آلمانی«پرزین»و به ایتالیایی «پرسیا»و به روسی «پرسی» می گفتند و در سایر زبان های اروپایی کلماتی نظیر این چهار کلمه معمول بود. سبب این بود که هنگامی که دولت هخامنشی را در سال ۵۵۰ پیش از میلاد یعنی در ۲۴۸۴ سال پیش کوروش بزرگ پادشاه هخامنش تشکیل داد و تمام جهان متمدن را در زیر رایت خودگرد آورد چون پدران وی پیش از آن پادشاهان دیاری بودند که آن را « پارسا » یا « پارسوا » می گفتند و شامل فارس و خوزستان امروز بود مورخین یونانی کشور هخامنشیان را نیز بنا بر همان سابقه که پادشاهان پارسی بوده اند «پرسیس » خواندند و سپس این کلمه از راه زبان لاتین در زبان های اروپایی به « پرسی » یا « پرسیا » و اشکال مختلف آن در آمد و صفتی که از آن مشتق شد در فرانسه « پرسان » و در انگلیسی « پرشین » و در آلمان « پرزیش » و در ایتالیائی « پرسیانا » و در روسی « پرسیدسکی » شد و در زبان فرانسه « پرس » را برای ایران قدیم پیش از اسلام (مربوط به دوره هخامنشی و ساسانی) و « پرسان » را برای ایران بعد از اسلام معمول کردند. تنها در میان علما و مخصوصا مستشرقین معمول شده که کلمه ایران را برای تمام علوم و تمدن های قدیم و جدید مملکت ها و نژاد ها به کار بردند و از آن در فرانسه«ایرانین »و در انگلیسی«ایرانیان» و در آلمانی « ایرانیش»صفت اشتقاق کردند و این کلمه را شامل تمام تمدن های ایران جغرافیائی امروز و افغانستان و بلوچستان و ترکستان (

تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان امرو(و قفقاز و کردستان و ارمنستان و گرجستان و شمال غربی هندوستان دانستند و به عبارت آخری یک نام عام برای تمام ممالک ایرانی نشین و یک نام خاص برای کشوری که سرحدات آن در نتیجه تجاوزهای دول بیگانه از شمال و مشرق و مغرب در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی تعیین شده بود وضع کردند....»(نک:آرشیوروزنامه اطلاعات.۱۳۱۳/۱۰/۱۰خورشیدی)

هم میهن گرامی ! کمالیسم یا پان ترکیسم برآمده از دیدگاه های کمال آتاتورک در نیمه ی نخست سده ی نوزدهم میلادی دچار همین بحران هویت قومی فرهنگی بود و البته هست ! آنان نیز که از درد بی هویتی تاریخی رنج می بردند کوشیدند تا نخست خود را تورانی بدانند لیک از آنجا که تورانیان پیشینه ی مثبت اساطیری تاریخی نداشتند و اصولا قومی مذموم بودند ،کوشیدند تا مفاخر آریایی ایران چون حضرت زرتشت و پورسینا و..... را به خود نسبت دهند. ترکیه همواره از درد بی هویتی رنج برده و می برد.تلاش برای چسبیدن به پایین تنه ی اروپا از همین روست!

هم میهن گرامی! افغانستان یک کشور جعلی است که برآمده از تبانی استعمار بریتانیای کبیر و بی لیاقتی رژیم روسیاه قاجاران است. بی گمان کانون های تاریخی فرهنگ ایرانی در دوران سیاه این دودمان تبهکار برباد رفت! بلخ و بخارا و سمرقند و...ناجوانمردانه از ایران جدا شدند و اینک در غربت محض در اندوهِ مامِ خویش می گریند!

بنابراین این یاوه ها که می شنوی نعره های بحران هویت قومی فرهنگی است. جدی مگیر!





اَلـدِّراســاتُ الايــرانيِّــة

اَسْــئلة و اَجْــوبَـــة

حَوْلَ خَلْفيّةِ ايرانَ اَلتّاريخيّة والثّقافيّة والْحضاريّة

للباحثِ الكاتب و المترجم الايرانى

الدكتورمحمودرضاافتخارزاده

****

IRANOLOGY

QUESTION & ANSWER

About historical , cultural & civilizational background of Iran

www.iranologi.blogfa.com

www.fehresteasar.blogfa.com

IRANOLOGY11@GMAIL.COM

BY

DR.M.R.EFTEKHARZADEH

Iranian writer , Researcher & Translator

***